



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

سه شنبه ۲۲ سپتمبر ۲۰۲۰

ناتور رحمانی

آینه و عنکبوت

گویند : هر سیاستمدار هنرمند است ، ولی هیچ هنرمند سیاستمدار نیست ، زیرا هنرمند به قدسیت مسلک خود باور دارد و هرگز آنرا در بازار داد و ستد ملوث نمی سازد و از برای منفعت شخصی وجدان پاک هنرمندانه اش را خدشه دار نمی کند، چون حق کردار است و حق پندار. درحالیکه سیاستمدار غیر مردمی برای ترغیب، فریب و نفع شخصی با توسل به هنر ریایی و آلوده در کمال وقاحت سر مردم کلاه میگذارد ، و با وجدان مرده ای که دارد در آشفته بازار سود و سرمایه از زمین تا آسمان را میفروشد، چون او حقیقت کش و دروغ پرداز است و بی مهابا با پیوند خون و خاکستر کمر به قتل تمام زیبایی ها می بندد که همانا شرف است و آزادی و بنابر گفته ای بالا آدمهای ریاکار سیاسی مجاز اند پیرامون هنر تشبث و تعرض نمایند، مگر هنرمندان حق مداخله در امور سیاسی را ندارند؟!

هدف هنرمند کسب افتخار است، نه به دست آوردن قدرت ، او سعی ندارد تا یک سیستم اجتماعی مورد تایید خود را به جهان تحمیل کند.

او فقط خودش است و با (من) خویشتن صحنه را در اختیار دارد ، و در پرتو نور افکن ها بیننده های زیبا پسند را ارضا می نماید و جهانی از لذت و جذبه ای هنری را با آنها تقسیم میکند ، برعکس قضیه سیاستمدار غیر مردمی با جبر و اکراه فریب و نیرنگ، جمعی را بدنبال خود میکشاند تا در فضای سرد، خشک و تاریک فرامین و دستورات بی قاعده وی را ترسیده ترسیده اجرا نمایند.

هنرمند نسبت به سیاستمدار، شجاع، صادق، فداکار و حقیقت جو است ، او هر عملی را برملا و در حضور همه انجام میدهد ، کتمان و پرده پوشی، غفلت و سهل انگاری، ترفند و ریاکاری در نهاد و مسلک وی جا ندارد.

مگر در بازی های سیاسی تمام مذاکرات به دور از دیده ای مردم عقب پرده ها با دروغ های بزرگ ، غیرصادقانه ، غرض آلود و ملوث اجرا میگردد .

هنرمند به بیننده حق انتخاب میدهد ، و در مورد پیشنهاد شان جهت خوب جلوه دادن بیشتر صحنه های هنری می کوشد ، و هیچوقت به آنها مجال اندیشدن بخاطر مخالفت های احتمالی را نمی دهد ، زیرا با درنظرداشت خواست معقول آنها که تاکید بر زیبایی و هنر است بی غل و غش کارش را به نمایش میگذارد.

سیاستمدار دروغین که خاستگاه اندیشه اش مهار نمودن تراوش های فکری مخالف و خشک ساختن برکه های عواطف است ، در هراس از رسوایی و از دست دادن منافع و روی شدن اسرار مگوی ، طراحان کار کشته ای دارد که با بزاق زهر آلود عنکبوتی شان ، همه خلاقیت ها و افزار افشاکنده ای سیستم خودکامه را تار تنیده در انزوای خرابه های ستم سالاری به بند میکشند... او مخالف زیباییست زیرا زیبایی انگیزه یست برای آزادی ، ضرورتیست برای انسان ، انسان این ضرورت را برای ابقا مشروطیت خود به دور از آشوب و آسیب وارد کردن به ممنوع ، تکیه گاه آرمان میداند تا انسانیت اش احترام گردد ، و حیاتش به دور از وسواس و هراس مفهوم انسانی داشته باشد ، او برای بهبود زندگی فردی و اجتماعی و حفاظت درونمایه ای معنوی با افزار دست داشته اش عقیده، زبان و قلم به جنگ پلیدی و پلشتی میرود ، این زیبا خواهی ها زاده ای تفکر انسان هنر دوست و هنرمند است.

مگر سیاستمدار مزدور ، دست نشانده و جدا از مردم چنین نمی خواهد ، او خط فاصل بین خود و زیبایی را با تهدید و تازیانه ، زجر و زندان ، مرگ و میر نگهمیدارد که این دیوار جدایی بین سیاست و زیبایی تا کهکشان میرسد... سیاسی مستبد و خودکامه در حلقه ای محدود خواهی و خود مرکز بینی با انبازان بدبخت تر از خود تنها میماند ، او به ابوالهول ترس و تحمق تبدیل میگردد ، زیرا او روشنی ها را کشته و دوستی ها را نابود کرده است ، در یک سخن او مردم اش را ، انسان و انسانیت ، شرف و زیبایی را نفی کرده است

درجهت مقابل هنرمند است که خط فاصل نمی شناسد ، او برای بازتاب اندیشه اش حد و مرز نمی بیند و جغرافیای منطق وی تمامیت زمین است ، او در بین مردم است ، از مردم میاموزد و به مردم می آموزاند ، هنرمند به الهه ای عشق و تندیس امید و آرامش مبدل میگردد ، که با فوران نور و مهر، مردم پروانه سان به دورش میگردند ، او ظلم را نمی شناسد و از ظلمت بیزار است... هنرمند در هر زمانه ی در صدا و شکل قهرمانان آزادیخواه ظاهر میشود ، او برای فرو

ریختن دیوار استبداد و شکستن زنجیر ستم، صدا و سیمایش را به نمایش میگذارد ، گهی مانیست و گهی مزدک ، گهی کاوه ست و گهی آرش ، گهی فرهاد است و گهی مشک عالم، گهی ملالی است و گهی ناهید ، گهی مینا کشور، گهی میرمسجد یست و گهی میر بچه خان ، گهی بهمن است و گهی مجید، گهی لطیف و گهی سرمد و گهی تمثال هزارها وطنپرست آزادیخواه

سیاستمدار بدور از مردم چون پایگاه دروغ دارد ، با سلاح استبداد از سر های بریده ای این مشعلداران علم ، آگاهی ، هنر، زیبایی و حقیقت، کله منار ها می سازد و گورستانهای نو بنیاد میکند که مگر بزعم خودش هنگامه فرو خوابد ، و در فراموشی نام سربداران دنیا بکامش گردد!! بیچاره این جا را هم کور خوانده ، اوست که با بدنای مردار می شود ، اوست که فراموش تبار و تاریخ میگذرد .

مردم از آن نام آوران آزادی دوست به احترام و ارادت یاد میکنند ، زیرا آنها زنده نام ، جاویدان و انوشه اند ، آنها در سیما و صدای هر سلحشور وطنخواه زنده اند و جاویدانه... سرود فتح شان بر لب ها جاریست ، و کارنامه های شان تومار زیبایی و زندگی و سرمشق آیندگان آزادیخواه . دنیا هر روز شاهد به زیر کشیدن و واژگون ساختن بت های خود کامه و مستبد سیاسی است ، و ناظر برکشیدن و ارج گذاری از نام آوران هنر و زیبایی ، که به یقین همان پیکره انسان انسانیت خواه ، آزاده و راست پندار است .

(ناتور)

